

Challenges and Vulnerabilities of the Urban Planning Education System: A Look at the Current Status and Proposed Solutions¹

Article Type: Review

Mohammadreza

Noghsanmohammadi 

Mohammad Ali Khani Zadeh * 

Hossein Amirazadi 

Associate Professor, Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran. mohammadi@yazd.ac.ir

Corresponding Author:

PhD Student in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran. Ma1985kha@gmail.com

PhD Student in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran. hossein.kazeroon@gmail.com

Abstract

Objective: The main objective of this study is to identify and analyze the structural, content-related, and human resource challenges within the urban planning education system in Iran. It also aims to explore the consequences of these challenges on the quality of education and to propose practical strategies to bridge the gap between academic training and real urban needs.

Method: This research adopts **Grounded Theory** as a qualitative approach to explore the complex and context-specific nature of educational challenges. Data were gathered through **semi-structured interviews** with university professors, students, urban planning experts, and municipal managers. **Purposeful sampling** was employed to select informed participants, and the data were analyzed using **open, axial, and selective coding**. The choice of Grounded Theory was based on the study's exploratory nature, its focus on generating a native theory, and its emphasis on capturing participants' lived experiences.

Results: The analysis revealed that challenges in the urban planning education system in Iran fall into three major categories: 1- **Structural Challenges** – including incoherent policymaking, inadequate educational infrastructure, and weak institutional linkages between academia and practice. 2- **Content-related Challenges** – such as outdated curricula, overemphasis on theoretical knowledge, and lack of attention to contemporary issues like smart cities and spatial justice. 3- **Human Resource Challenges** – including shortage of qualified faculty, low student engagement, and insufficient incentives to attract and retain top talent. These interconnected issues have contributed to a significant disconnect between educational outputs and the professional and societal needs of urban planning in Iran.

Conclusion: To overcome the identified challenges, the study recommends revising the overall educational framework, modernizing course content, enhancing cooperation between universities and urban governance bodies, and promoting locally grounded and socially responsive education. These strategies are essential to develop a more responsive and effective urban planning education system that aligns with Iran's evolving urban realities.

Keywords: Education System, Urban Planning, Challenge and Opportunity

¹ The current article is taken from a research project entitled " " which was conducted in the Institute in 2023.

چالش‌ها و آسیب‌های نظام آموزش در شهرسازی: نگاهی به وضعیت موجود و راهکارهای پیشنهادی^۱

نوع مقاله: مروری

محمد رضا نقصان محمدی 

دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

رایانامه: mohammadi@yazd.ac.ir

نویسنده مسئول:

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

رایانامه: Ma1985kha@gmail.com

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

رایانامه: hossein.kazeroon@gmail.com

محمد علی خانی زاده 

حسین امیر عضدی

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل چالش‌های ساختاری، محتوایی و نیروی انسانی در نظام آموزش شهرسازی در ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن است. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که این چالش‌ها چگونه بر کیفیت آموزش و توانایی فارغ‌التحصیلان در حل مسائل واقعی شهری تأثیر می‌گذارند و چه راهبردهایی می‌توانند فاصله میان آموزش دانشگاهی و نیازهای حرفه‌ای و اجتماعی را کاهش دهند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تحلیل داده‌ها به روش گراند تئوری نشان می‌دهد که چالش‌های نظام آموزش شهرسازی در ایران در سه بعد اصلی قابل دسته‌بندی هستند: ۱- **چالش‌های ساختاری**: نبود سیاست‌گذاری منسجم، کمبود زیرساخت‌های آموزشی و ضعف ارتباط میان دانشگاه‌ها و نهادهای اجرایی. ۲- **چالش‌های محتوایی**: برنامه‌های درسی قدیمی، تمرکز بیش‌ازحد بر نظریه و نادیده گرفتن موضوعات نوظهور مانند شهرهای هوشمند و عدالت فضایی. ۳- **چالش‌های نیروی انسانی**: کمبود اساتید دارای تجربه عملی، انگیزه پایین دانشجویان و نبود مشوق‌های مناسب برای جذب و نگهداری استعدادها.

نتیجه‌گیری: چالش‌های شناسایی شده منجر به شکاف عمیقی میان آموزش دانشگاهی و نیازهای حرفه‌ای و اجتماعی در حوزه شهرسازی شده‌اند و کارآمدی فارغ‌التحصیلان در مواجهه با مسائل واقعی شهری را کاهش داده‌اند. برای کاهش این شکاف، راهکارهایی چون اصلاح ساختار نظام آموزشی، به‌روزرسانی محتوای درسی، تقویت همکاری دانشگاه‌ها با نهادهای اجرایی و توجه به ویژگی‌های بومی و اجتماعی پیشنهاد می‌شود. اجرای این راهبردها می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام آموزشی مؤثرتر و منطبق با نیازهای جامعه ایرانی باشد.

واژه‌های کلیدی: نظام آموزش، شهرسازی، چالش و فرصت.

^۱ - پژوهش در سال ۱۴۰۳ و در دانشگاه یزد انجام گرفته است

مقدمه و بیان مسئله

شهرسازی به‌عنوان یکی از حوزه‌های استراتژیک توسعه پایدار، در دهه‌های اخیر به دلیل رشد سریع شهرنشینی، افزایش پیچیدگی‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و تغییرات شتابان فناوری به یکی از اولویت‌های کلیدی برنامه‌ریزی شهری و آکادمیک تبدیل شده است (سازمان مسکن ملل متحد^۱، ۲۰۲۰). رشته شهرسازی به‌عنوان حوزه‌ای بسیار حیاتی در توسعه پایدار، نقش‌های متعددی در ایجاد و مدیریت فضاهای شهری ایفا می‌کند (هاوکن، ۲۰۰۷؛ سوینگدو، ۲۰۰۹؛ سازمان مسکن ملل متحد، ۲۰۱۵؛ بارتل و همکاران^۲، ۲۰۱۰)؛ که این تغییرات در بخش‌های مختلف مرتبط با توسعه پایدار شامل: فضاهای عمومی می‌توانند کیفیت زندگی افراد را بهبود بخشند و امکان تعاملات اجتماعی را تسهیل کنند. طراحی مناسب می‌تواند به افزایش احساس امنیت و تعلق در جامعه کمک کند (گهل، ۲۰۱۰؛ ریدين^۳، ۲۰۱۳). شهرسازان می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب و توسعه زیرساخت‌های شهری، با جذب سرمایه‌گذاری و ارتقاء اشتغال، به رشد اقتصادی و پایداری کمک کنند (فلورید^۴، ۲۰۲۰). همچنین شهرسازان با به کارگیری روش‌های کارآمد در مدیریت منابع طبیعی، می‌توانند از تخریب محیط‌زیست جلوگیری کنند و پایداری را حفظ کنند (یومن و جنینگز^۵، ۲۰۰۸). شهرسازی می‌تواند با توجه به پیش‌بینی‌های آب‌وهوا و تکیه بر سیستم‌های طبیعی، برای کاهش آسیب‌پذیری شهرها در برابر بلایای طبیعی، تاب‌آوری را افزایش دهد (فولک و همکاران^۶، ۲۰۱۶). خط‌مشی‌های شهری موفق نیاز به مشارکت ذینفعان و جوامع محلی دارند. ایجاد روش‌های مشارکتی در برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی می‌تواند به شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر منجر شود (هیلی^۷، ۲۰۲۱) و به تحقق عدالت اجتماعی نزدیک‌تر شود (گلارز^۸، ۲۰۱۱). محتوای آموزشی هر حرفه از نقش و جایگاه آن حرفه در جامعه ناشی می‌شود و آموزش شهرسازی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در واقع آموزش شهرسازی باید در عمل پاسخگوی نیازهای متخصصان شهرسازی باشد (بحرینی و دهقان منشادی^۹، ۲۰۱۹). محتوای آموزشی هر حرفه از نقش و جایگاه آن حرفه در جامعه ناشی می‌شود و آموزش شهرسازی نیز از این قاعده مستثنا نیست (بحرینی و فلاح منشادی، ۱۳۹۸). در این راستا، نظام آموزشی شهرسازی به‌عنوان زیرساختی بنیادین برای تربیت نیروی انسانی کارآمد، نقشی حیاتی ایفا می‌کند (فینستین و کمپبل^{۱۰}، ۲۰۱۶). با وجود این اهمیت، شواهد نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، نظام آموزشی شهرسازی نتوانسته است همپای نیازهای متغیر و چندبعدی شهرها حرکت کند. مشکلات متعددی از جمله عدم انطباق محتوا و روش‌های تدریس با تحولات جهانی، ضعف در آموزش

-
- 1- UN-Habitat
 - 2- Hawken., 2007; Swyngedouw., 2009; UN-Habitat., 2015; Barthel et al.
 - 3- Gehl, 2010; Rydin
 - 4- Florida
 - 5- Newman & Jennings
 - 6- Folke et al.
 - 7- Healey
 - 8- Glaeser
 - 9- Bahreini, and Fallah Manshadi
 - 10- Fainstein & Campbell

مهارت‌های عملی و بین‌رشته‌ای، کمبود زیرساخت‌های لازم برای یادگیری تجربی و عدم وجود ارتباط مؤثر بین دانشگاه و صنعت، منجر به فاصله معناداری بین اهداف آموزشی و نیازهای واقعی بازار کار شده است (هیلی، ۲۰۰۷). این ضعف‌ها، نه تنها تأثیر منفی بر کیفیت فارغ‌التحصیلان و توانایی آن‌ها در مدیریت مسائل شهری دارد، بلکه به کاهش اعتماد عمومی به نقش آموزش در بهبود کیفیت زندگی شهری منجر شده است (پری^۱، ۲۰۲۱).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در این زمینه، تمرکز بیش‌ازحد نظام آموزشی بر جنبه‌های نظری و سنتی است. درحالی‌که بسیاری از شهرها با بحران‌هایی همچون تغییرات اقلیمی، تراکم بیش‌ازحد جمعیتی و رشد نابرابر مواجه هستند، آموزش شهرسازی همچنان عمدتاً بر چارچوب‌های نظری قدیمی تکیه دارد و به جنبه‌های عملی و مهارت‌محور کمتر توجه می‌شود (گاندر و هیلیر^۲، ۲۰۰۹). علاوه بر این، ارتباط ضعیف میان دانشگاه‌ها و نهادهای شهری منجر به انزوای نظام آموزشی از فضای واقعی شهرها شده است، به گونه‌ای که برنامه‌های درسی غالباً بدون توجه به نیازهای روز طراحی و اجرا می‌شوند (پری، ۲۰۲۱).

چالش دیگر، کمبود زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی است. در برخی از دانشگاه‌ها، امکانات لازم برای یادگیری عملی، مانند کارگاه‌های فنی، آزمایشگاه‌های شبیه‌سازی و فرصت‌های میدانی محدود است. این کمبودها موجب شده است که دانشجویان نتوانند در طول دوره تحصیل، مهارت‌های کاربردی لازم را کسب کنند و با ورود به بازار کار، اغلب با فاصله‌ای جدی از نیازهای حرفه‌ای مواجه شوند (هیلی، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر، سیاست‌های آموزشی نیز به دلیل تمرکز بر کمیت (افزایش پذیرش دانشجویان) و بوروکراسی سنگین، توانایی اصلاح و تطبیق با نیازهای جامعه را ندارد. به‌طور مثال، در بسیاری از موارد، فرایند به‌روزرسانی محتوای درسی به دلیل نبود مدیریت پویا و ساختارهای تصمیم‌گیری ناکارآمد، با تأخیرهای طولانی همراه است (استراوس و کوربین^۳، ۱۹۹۸). این مشکلات، همراه با نبود برنامه‌های میان‌رشته‌ای و تمرکز بر جنبه‌های نوآورانه، بر توانایی دانشگاه‌ها برای تربیت نیروی کارآموده و خلاق تأثیری منفی گذاشته است (چارماز^۴، ۲۰۱۴).

وجود فاصله میان آموزش دانشگاهی و فعالیت حرفه‌ای در رشته‌های معماری و شهرسازی در ایران مسئله‌ای جدی و رو به رشد است. مطالعه دقیق این فاصله، علل و وجوه مختلف آن و همچنین ارزیابی صحیحی از انتظارات و رویکردهای طرفین، لازمه اصلاح وضع موجود و دستیابی به فضای عمومی سالم در این رشته‌ها است (سیمونی و عباسی، ۱۳۹۹). نظام آموزش در رشته شهرسازی در ایران با چالش‌های متعددی روبرو است که بر کیفیت و کارایی آن تأثیرگذارند. این چالش‌ها شامل عدم هماهنگی بین تئوری و عمل، فقدان مهارت‌های عملی در

11- Perry
 12- Gunder & Hillier
 13- Strauss & Corbin
 14- Charmaz

برنامه‌های آموزشی و نیاز به نوآوری در روش‌های تدریس است. علاوه بر این، تحولات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر، ضرورت تغییر در رویکردهای آموزشی را افزایش داده‌اند. بر اساس پژوهش‌ها، عدم توجه کافی به موضوعات بین‌رشته‌ای، کمبود راهکارهای آموزشی مبتنی بر پروژه و ارتباط ضعیف با ذینفعان محلی از دیگر چالش‌های مهم در این حوزه هستند (رسولی منش و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۳).

شناسایی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر ارتباط با اجتماع یادگیری به‌عنوان یکی از راهکارهای ارتقاء دانش، مهارت و نگرش استادان و دانشجویان پیرامون مسائل کمی و کیفی رشته شهرسازی سال‌هاست که مطرح و اجرا شده است (صابرمنش و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن چالش‌های نظام آموزش شهرسازی، استفاده از روش‌های پژوهشی که بتوانند این مسائل را به شکلی جامع و نظام‌مند تحلیل کنند، ضروری است. روش گراند تئوری^{۱۶} یکی از ابزارهای پژوهشی کیفی است که امکان تحلیل عمیق داده‌های کیفی و توسعه نظریه‌ای جامع را فراهم می‌آورد. وجود فاصله میان آموزش دانشگاهی و فعالیت حرفه‌ای در رشته‌های معماری و شهرسازی در ایران مسئله‌ای جدی و رو به رشد است. مطالعه دقیق این فاصله، علل و وجوه مختلف آن و همچنین ارزیابی صحیحی از انتظارات و رویکردهای طرفین، لازمه اصلاح وضع موجود و دستیابی به فضای عمومی سالم در این رشته‌ها است (سیمونی و عباسی^{۱۸}، ۲۰۲۰). این پژوهش با بهره‌گیری از روش گراند تئوری، تلاش دارد تا به شناسایی و تحلیل دقیق چالش‌ها و آسیب‌های نظام آموزش شهرسازی بپردازد. هدف اصلی این مطالعه، توسعه نظریه‌ای بومی برای درک عمیق‌تر از این مشکلات و ارائه راهکارهایی عملی برای بهبود نظام آموزشی در این حوزه است.

مبانی نظری

شهرسازی

شهرسازی به‌عنوان یک رشته میان‌رشته‌ای، فرایندی است که بر طراحی، مدیریت و توسعه مناطق شهری با در نظر گرفتن نیازهای اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی تمرکز دارد. این رشته به دنبال ایجاد فضاهای انسانی است که از نظر عملکردی، زیباشناسی و پایداری مناسب باشند. بر اساس تعریف سازمان ملل، شهرسازی عبارت است از "فرایند برنامه‌ریزی و طراحی برای استفاده بهینه از زمین و منابع، با هدف ایجاد جوامع سالم و پایدار (سازمان مسکن ملل متحد^{۱۹}، ۲۰۲۱). "کلیدواژه‌های مهم در تعریف شهرسازی شامل پایداری، برنامه‌ریزی فضایی،

15- Rasoolimanesh et al

16- Grounded Theory

18- Simoni & Abbasi

19- UN-Habitat

طراحی شهری و مدیریت توسعه است. مفهوم پایداری در شهرسازی به معنای تلاش برای تعادل بین نیازهای فعلی و حفظ منابع برای نسل‌های آینده است (هال، ۲۰۰۲).

تاریخچه نظام آموزش شهرسازی

آموزش شهرسازی در ایالات متحده از چهار دوره متمایز عبور کرده است، از همکاری‌های اولیه تا تغییرات اخیر به سمت بین‌رشته‌ای بودن (آناکر، ۲۰۲۳). با این حال، چالش‌هایی در این حوزه همچنان وجود دارد. بسیاری از دانشجویان از محتوای آموزشی و سبک آموزش شهرسازی ناراضی هستند، درحالی‌که دپارتمان‌ها در بیان اهداف آموزشی واضح با مشکل مواجه‌اند یک شکاف میان مدارس متمرکز بر تغییرات اجتماعی و آن‌هایی که به نیازهای حرفه‌ای کنونی گرایش دارند، وجود دارد و تنها تعداد کمی از مؤسسات تمایل به آزمایش برنامه‌های درسی یا روش‌های تدریس نوآورانه دارند (نات و همکاران، ۱۹۷۰). در هند، آموزش شهرسازی با مشکلات مشابهی مواجه است و به‌طور بیش‌ازحد تکنوکراتیک و تنظیم‌شده است که این امر نوآوری را محدود می‌کند. برای رسیدگی به چالش‌های جهانی و مسائل توسعه محلی، نیاز به اصلاحات رادیکالی در آموزش شهرسازی وجود دارد، از جمله گسترش دامنه حرفه، تأکید بر عدالت و پایداری و بازنگری در رویکردهای آموزشی (ماهادیوا و بهاتیا، ۲۰۲۱).

تاریخچه جهانی

رشته شهرسازی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، هم‌زمان با رشد سریع شهرنشینی و انقلاب صنعتی در اروپا و آمریکای شمالی ظهور کرد.

۱. **قرون وسطی و رنسانس:** در دوران رنسانس، توجه به زیبایی‌شناسی و طراحی شهری افزایش یافت. هنرمندانی مانند لئوناردو داوینچی و میکل‌آنژ به طراحی شهرها و فضاهای عمومی توجه داشتند (کاستوف و همکاران، ۱۹۹۵).
۲. **قرن نوزدهم:** با صنعتی شدن و رشد سریع شهرها، نیاز به برنامه‌ریزی شهری محسوس‌تر شد. اولین مؤسسات آکادمیک در ایالات متحده نظیر مؤسسه فناوری ماساچوست^۱ و دانشگاه‌هاروارد در این زمینه تأسیس شدند (هال، ۲۰۰۲).

20 - Hall
21- Anacker
22- Nutt et al.,
23- Mahadevia & Bhatia
24- Kostof et al
25- MIT

۳. قرن بیستم: پس از جنگ جهانی دوم، با افزایش مهاجرت به شهرها و چالش‌های مربوط به توسعه شهری، آموزش شهرسازی به یک رشته مهم تبدیل شد. مکتب‌های فکری مانند "مدرسه برنامه‌ریزی" و "نوگرایی شهری" در این دوران شکل گرفتند (ناروانز^۱، ۲۰۱۲).

- اروپا: نخستین مدرسه شهرسازی جهان در سال ۱۹۱۰ در پاریس با نام "مدرسه شهرسازی پاریس"^۲ تأسیس شد. این دوره‌ها بر برنامه‌ریزی فضایی و مسائل مرتبط با رشد سریع شهرها تمرکز داشتند (هال، ۲۰۰۲).
- آمریکا: در ایالات متحده، شهرسازی به‌طور رسمی در دهه ۱۹۲۰ وارد برنامه‌های دانشگاهی شد. دانشگاه‌هایی نظیر هاروارد و ام آی تی، برنامه‌های اولیه شهرسازی را با تمرکز بر ارتباط میان طراحی و سیاست‌گذاری شهری ارائه کردند (پارکر^۳، ۲۰۲۲).
- دهه ۱۹۷۰ به بعد: مفهوم پایداری و حفاظت محیط‌زیست در برنامه‌های شهرسازی گنجانده شد و رشته‌هایی نظیر برنامه‌ریزی شهری و طراحی پایدار به وجود آمدند (سازمان مسکن ملل متحد، ۲۰۲۱).

تاریخچه در ایران

آموزش رسمی شهرسازی در ایران به دهه ۱۳۴۰ شمسی بازمی‌گردد.

- دهه ۱۳۴۰: اولین برنامه آموزشی شهرسازی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران آغاز شد. این برنامه با الگوبرداری از مدل‌های آموزشی فرانسه و آمریکا به تربیت متخصصانی در زمینه طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری پرداخت (بحرینی و دهقان منشادی، ۲۰۱۹).
- دهه ۱۳۵۰: با گسترش شهرنشینی، دوره‌های شهرسازی در دانشگاه‌های دیگر نظیر دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه شیراز راه‌اندازی شد.
- پس از انقلاب اسلامی: تأکید بر انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای بومی و مسائل اجتماعی افزایش یافت. در دهه ۱۳۸۰، موضوعاتی نظیر شهرسازی پایدار، مدیریت شهری و توسعه منطقه‌ای به برنامه‌های آموزشی افزوده شد (رسولی منش و همکاران، ۲۰۱۳).

26- Narvaez

27- École d'Urbanisme de Paris

28- Parker

تحلیل تحقیق‌پذیری طرح‌های جامع: در دهه ۱۳۶۰، وزارت مسکن و شهرسازی پژوهشی را با هدف بررسی تحقیق‌پذیری طرح‌های جامع شهری انجام داد. این پژوهش نشان داد که بسیاری از طرح‌های جامع به دلیل عدم انطباق با شرایط بومی و نبود مشارکت مردمی، با مشکلات اجرایی مواجه شده‌اند (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۵).

نتایج پژوهش

عدم انطباق با نیازهای محلی: بسیاری از طرح‌ها بدون توجه به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق طراحی شده‌اند. ضعف در اجرا: نبود هماهنگی بین نهادهای اجرایی و دانشگاه‌ها باعث شده است که طرح‌ها به‌طور کامل اجرا نشوند. نیاز به بازنگری: این پژوهش به ضرورت بازنگری در برنامه‌های درسی شهرسازی و توجه به نیازهای واقعی شهری اشاره کرده است.

تجارب سایر کشورها

ایالات متحده: آناکر (۲۰۲۳)، به چهار دوره اصلی آموزش شهرسازی در ایالات متحده اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که برنامه‌های درسی باید با نیازهای حرفه‌ای و اجتماعی هماهنگ باشند.

اتریش و همکاران (۱۹۷۰): به شکاف بین آموزش دانشگاهی و نیازهای حرفه‌ای در برنامه‌ریزی شهری اشاره می‌کند.

هند: ماهادویا و باتیا (۲۰۲۱)، به ضرورت بازنگری رادیکال در آموزش شهرسازی هند برای پاسخگویی به چالش‌های جهانی و محلی اشاره می‌کنند.

اروپا: هیلی (۲۰۰۷)، تجربه کشورهای اروپایی در برنامه‌ریزی مشارکتی و ارتباط دانشگاه‌ها با نهادهای اجرایی را بررسی می‌کند.

چین: یو ان هایتات (۲۰۲۰)، به تجربه چین در توسعه شهرهای هوشمند و ادغام فناوری‌های نوین در برنامه‌ریزی شهری اشاره می‌کند.

برزیل: یو ان هایتات (۲۰۱۵)، در برزیل، آموزش شهرسازی با چالش‌هایی مانند نابرابری اجتماعی و رشد سریع شهرنشینی مواجه است. برزیل در ادغام مفاهیم عدالت اجتماعی و پایداری در برنامه‌های درسی شهرسازی موفق عمل کرده است.

چالش‌ها و فرصت‌ها

- **در سطح جهانی:** کمبود ارتباط میان نظریه و عمل در برنامه‌های شهرسازی همواره به‌عنوان یک چالش مطرح بوده است (پاکر، ۲۰۲۲).

• در ایران: کمبود منابع مالی، ضعف ارتباط میان دانشگاه‌ها و نهادهای اجرایی و کمبود متخصصان باتجربه از مشکلات اصلی به شمار می‌آیند همچنین کیفیت پایین زندگی شهری صرفاً حاصل ناکارآمدی آموزش شهرسازی نیست بلکه عدم تحقق طرح‌های توسعه شهری حاصل از دخالت انواع قدرت‌ها در سطح شهر نیز از اثرگذاری قابل توجهی برخوردارند.

شهرسازی به‌عنوان یک رشته میان‌رشته‌ای، فرآیندی است که بر طراحی، مدیریت و توسعه مناطق شهری با در نظر گرفتن نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تمرکز دارد (هال^۱، ۲۰۰۲). این رشته به دنبال ایجاد فضاهای انسانی است که از نظر عملکردی، زیبایی‌شناسی و پایداری مناسب باشند (یو ان هبیتات^۲، ۲۰۲۱). جمع‌بندی تجارب جهانی نشان می‌دهد که بازنگری در برنامه‌های درسی، تقویت ارتباط با نهادهای اجرایی و توجه به ابعاد بومی و اجتماعی می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش شهرسازی کمک کند. این رویکردها نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند (یو ان هبیتات، ۲۰۲۰).

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر داده‌های کیفی است که از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، مشاهدات میدانی و تحلیل اسناد مرتبط گردآوری شده‌اند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد افرادی را انتخاب کند که اطلاعات جامعی درباره موضوع پژوهش دارند (پاتون^۳، ۲۰۰۲) و شامل ۱۲ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه در رشته شهرسازی، ۹ نفر از دانشجویان دکتری شهرسازی، ۱۶ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی و ۸ نفر از مدیران شهرداری می‌باشد.

گراند تئوری^۴ یک روش کیفی است که هدف آن توسعه نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌های تجربی ناشی می‌شود. این روش به‌ویژه برای پژوهش‌هایی مناسب است که قصد دارند مسائل پیچیده اجتماعی را بررسی کنند و از طریق تحلیل سیستماتیک داده‌ها به درک عمیقی از آن دست یابند (چارماز^۵، ۲۰۱۴). مراحل اصلی گراند تئوری شامل موارد زیر است:

- کدگذاری باز: استخراج مفاهیم ابتدایی از داده‌ها و شناسایی کلمات کلیدی و جملات معنادار.
- کدگذاری محوری: دسته‌بندی کدهای مشابه در طبقات متمایز و برقراری ارتباط میان آن‌ها.

¹ Hall

² UN-Habitat

³ Patton

⁴ Grounded Theory

⁵ Charmaz

- کدگذاری انتخابی: انتخاب طبقه اصلی و یکپارچه‌سازی آن با سایر طبقات برای ارائه یک چارچوب نظری.

دلایل انتخاب گراند تئوری برای مطالعه شهرسازی:

- پیچیدگی موضوع شهرسازی که شامل ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است.
- امکان استخراج نظریه‌هایی که ارتباط مستقیم با تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان دارد.
- انعطاف‌پذیری این روش در بررسی چالش‌های آموزشی و شناسایی شکاف‌های موجود در نظام آموزش شهرسازی.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بر مبنای گراند تئوری

مرحله ۱: کدگذاری باز (Open Coding)

در این مرحله، داده‌های کیفی به‌صورت باز تحلیل می‌شوند و مفاهیم اولیه استخراج می‌گردند. یافته‌ها به شکل مفاهیم و دسته‌های اولیه بیان می‌شوند:

مفاهیم کلیدی شناسایی شده از داده‌ها:

محتوای آموزشی غیر مرتبط با نیازهای واقعی جامعه

- عدم انطباق با مسائل شهری روز: برنامه‌های درسی معمولاً بر مباحث نظری قدیمی تأکید دارند و ارتباط کمی با موضوعات روز، مانند تغییرات اقلیمی، فناوری‌های نوین شهری (شهرهای هوشمند) و عدالت شهری دارند.
 - غفلت از مسائل بومی: محتوای آموزشی اغلب از الگوهای وارداتی استفاده می‌کند که با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محلی همخوانی ندارند.
 - ضعف در شبیه‌سازی مسائل واقعی شهری: کمبود تمرین‌های شبیه‌سازی مشکلات شهری، مانند ترافیک، مدیریت فضاهای سبز و برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- روش‌های آموزشی ناکارآمد
- آموزش یک‌جانبه و نظری: روش‌های تدریس بیشتر به سخنرانی‌های تئوریک محدود شده و فرصت اندکی برای مشارکت فعال دانشجویان در بحث‌ها فراهم می‌شود.

- نبود روش‌های خلاقانه تدریس: استفاده حداقلی از فناوری‌های نوین، مانند نرم‌افزارهای طراحی و مدل‌سازی سه‌بعدی یا پلتفرم‌های یادگیری آنلاین.

- عدم تنوع در روش‌های ارزشیابی: تأکید زیاد بر آزمون‌های کتبی و بی‌توجهی به ارزیابی پروژه‌های عملی، ارائه‌ها و فعالیت‌های تیمی.

کمبود منابع و زیرساخت‌های آموزشی

- محدودیت منابع کتابخانه‌ای: دسترسی محدود به کتب و مقالات به‌روز در زمینه شهرسازی.

- ضعف امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی: نبود کارگاه‌های مجهز برای کار با نرم‌افزارهای تخصصی شهرسازی، مانند GIS، AutoCAD و SketchUp در برخی از دانشگاه‌ها.

- مشکلات فضای فیزیکی: کمبود فضاهای آموزشی مناسب، مانند استودیوهای طراحی، کلاس‌های مجهز به فناوری‌های پیشرفته و محیط‌های تعاملی در برخی از دانشگاه‌ها.

چالش‌های مربوط به نیروی انسانی (اساتید و دانشجویان)

- ضعف در به‌روزرسانی دانش اساتید: برخی از اساتید به دلیل مشغله‌های کاری-اداری یا پژوهشی و یا به دلیل بالا بودن سن کمتر فرصت به‌روزرسانی دانش خود در زمینه‌های جدید شهرسازی را دارند.

- انگیزه پایین دانشجویان: ناشی از کمبود فرصت‌های شغلی (متأثر از یاس حاکم بر نسل جدید از آینده کاری)، عدم ارتباط محتوای درسی با آینده حرفه‌ای و روش‌های آموزشی خسته‌کننده.

- عدم آگاهی دانشجویان از نقش میان‌رشته‌ای شهرسازی: نبود آموزش کافی در زمینه‌هایی مانند اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری و سیاست‌گذاری شهری.

ضعف در پیوند آموزش با نیازهای بازار کار و صنعت

- نبود دوره‌های کارآموزی مؤثر: برنامه‌های کارآموزی اغلب سطحی و کوتاه‌مدت هستند و دانشجویان تجربه کافی برای رویارویی با مسائل واقعی را کسب نمی‌کنند.

- فقدان ارتباطات با سازمان‌های شهری: دانشگاه‌ها به‌ندرت با شهرداری‌ها، سازمان‌های برنامه‌ریزی شهری یا شرکت‌های مهندسی مشورت یا همکاری می‌کنند.

- عدم توجه به مهارت‌های کارآفرینی: سیستم آموزشی عمدتاً دانشجویان را برای ورود به مشاغل دولتی آماده می‌کند و از تقویت مهارت‌های کارآفرینی و مدیریت پروژه غفلت می‌کند.
کمبود تمرکز بر مهارت‌های بین‌رشته‌ای و نرم
- ضعف در تقویت مهارت‌های ارتباطی: شهرسازی به تعاملات اجتماعی گسترده‌ای نیاز دارد، اما آموزش مهارت‌هایی مانند مذاکره، حل تعارض و ارتباط با ذینفعان در برنامه درسی کم‌رنگ است.
- کمبود آموزش در زمینه فناوری‌های نوین: موضوعاتی مانند هوش مصنوعی، یادگیری ماشینی و مدل‌سازی پیشرفته که در شهرسازی مدرن اهمیت پیدا کرده‌اند، به‌ندرت تدریس می‌شوند.
بی‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی و پایداری
- غفلت از برنامه‌ریزی پایدار: محتوای درسی به‌اندازه کافی به مدیریت انرژی، بازیافت منابع و طراحی فضاهای سبز شهری نمی‌پردازد.
- ضعف در تدریس اصول معماری زیست‌محیطی: توجه کم به استفاده از مصالح پایدار و طراحی ساختمان‌های کارآمد از نظر انرژی.
موانع مدیریتی و سیاست‌گذاری در نظام آموزشی
- بوروکراسی پیچیده: فرآیندهای طولانی و غیر شفاف در اصلاح برنامه‌های درسی و ارائه مجوزهای لازم برای طرح‌های جدید.
- عدم وجود معیارهای استاندارد: نبود معیارهای مشخص برای ارزیابی کیفیت تدریس و محتوای آموزشی در دانشگاه‌های مختلف.
- تمرکز بیش‌ازحد بر کمیت به‌جای کیفیت: رقابت برای جذب دانشجوی بیشتر به‌جای ارتقای کیفیت آموزش.

مرحله ۲: کدگذاری محوری (Axial Coding)

در این مرحله، دسته‌های اصلی ایجاد می‌شوند و ارتباط میان مفاهیم شناسایی شده در مرحله کدگذاری باز تحلیل می‌شود. دسته‌های اصلی شناسایی شده:

۱. مشکلات محتوای درسی و روش‌های تدریس:
 - ضعف انطباق محتوا با نیازهای جامعه
 - نبود روش‌های خلاقانه تدریس
 - بی‌توجهی به موضوعات نوظهور در شهرسازی

○ شواهد:

۱. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که ۷۵٪ دانشجویان روش‌های تدریس فعلی را غیر جذاب توصیف کرده‌اند.

۲. کمبود منابع و زیرساخت‌ها:

○ محدودیت منابع آموزشی و تحقیقاتی

○ ضعف امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی در برخی از دانشگاه‌ها

○ شواهد:

۱. تحلیل مشاهده‌ای کلاس‌های عملی نشان داد که برخی از دانشگاه‌ها از امکانات کارگاهی کافی یا استاندارد

بی‌بهره هستند.

۳. چالش‌های مربوط به نیروی انسانی:

○ ضعف مهارت‌های عملی دانشجویان

○ انگیزه پایین دانشجویان از کمبود فرصت‌های شغلی (متأثر از یاس حاکم بر نسل جدید از آینده کاری)،

○ عدم به‌روزرسانی دانش اساتید

○ شواهد:

۱. مصاحبه با اساتید نشان داد که ۵۰٪ از آن‌ها به کمبود فرصت‌های آموزشی و پژوهشی اشاره کرده‌اند.

۴. فقدان ارتباط دانشگاه و صنعت:

○ نبود دوره‌های کارآموزی مؤثر

○ عدم تعامل با سازمان‌های شهری و مهندسی

○ شواهد:

۱. تحلیل اسناد نشان داد که تنها ۱۵٪ دانشگاه‌ها برنامه کارآموزی منسجم با نهادهای شهری دارند.

۵. موانع مدیریتی و سیاست‌گذاری:

○ بوروکراسی پیچیده

○ تمرکز بر کمیت به‌جای کیفیت آموزش

○ شواهد:

۱. تحلیل داده‌های آماری نشان می‌دهد که نرخ رشد دانشجویان ورودی ۲۰٪ افزایش داشته، اما تعداد اساتید تنها ۵٪ بیشتر شده است.

مرحله ۳: کدگذاری انتخابی (Selective Coding)

در این مرحله، مفهوم محوری (Core Category) شناسایی می‌شود که همه دسته‌های دیگر را به هم پیوند می‌دهد. مفهوم محوری:

"شکاف میان آموزش و نیازهای حرفه‌ای و اجتماعی در حوزه شهرسازی"

- این مفهوم محوری توضیح می‌دهد که چرا مشکلات مختلف مانند ضعف محتوا، کمبود زیرساخت و ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت، عدم وجود رابطه با نهاد های مؤثر اجتماعی /مدیریت شهری و بازار کار ایجاد می‌شوند و چگونه این عوامل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

مرحله ۴: توسعه نظریه

بر اساس تحلیل‌های قبلی، یک نظریه برای تبیین چالش‌ها و آسیب‌های نظام آموزشی شهرسازی ارائه می‌شود: نظریه "نظام آموزش شهرسازی به دلیل نبود پیوند معنادار با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار، عدم ایجاد رابطه مؤثر با نهاد های مؤثر اجتماعی /مدیریت شهری، ضعف در به‌روزرسانی محتوا و روش‌های تدریس و کمبود منابع و زیرساخت‌های مناسب، نتوانسته است فارغ‌التحصیلانی با مهارت‌های موردنیاز حرفه‌ای و اجتماعی تربیت کند. این مسئله با بوروکراسی پیچیده و سیاست‌های ناکارآمد تشدید می‌شود."

تحلیل روابط مفهومی میان چالش‌ها و آسیب‌ها

هم‌افزایی منفی میان عوامل مختلف:

- روش‌های آموزشی ناکارآمد به کاهش انگیزه دانشجویان منجر می‌شود که این امر، تأثیر کمبود منابع و زیرساخت‌ها را تشدید می‌کند.

نقش محوری ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت:

- نبود ارتباط مناسب میان دانشگاه و صنعت، باعث می‌شود دانشجویان نتوانند مهارت‌های عملی و حرفه‌ای موردنیاز را فراگیرند که خود منجر به شکاف میان آموزش و بازار کار می‌شود.

تأثیر چالش‌های مدیریتی بر سایر حوزه‌ها:

• سیاست‌های ناکارآمد و بوروکراسی پیچیده باعث می‌شود اصلاحات موردنیاز در محتوا و روش‌های آموزشی با تأخیر یا مقاومت روبه‌رو شوند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظام آموزش شهرسازی در ایران با چالش‌های ساختاری، محتوایی و نیروی انسانی متعددی مواجه است که بر کیفیت و کارایی آن تأثیر منفی گذاشته‌اند. این چالش‌ها شامل نبود سیاست‌گذاری منسجم، کمبود زیرساخت‌های آموزشی، عدم به‌روزرسانی محتوای درسی، ضعف در ارتباط با نهادهای اجرایی و کمبود اساتید با تجربه عملی است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات مشابه در سایر کشورها و حتی در ایران همسو است، اما تفاوت‌هایی نیز وجود دارد که ناشی از شرایط بومی و ساختارهای خاص هر کشور است.

تشابهات با مطالعات مشابه

۱. چالش‌های ساختاری:

عدم سیاست‌گذاری منسجم: مطالعاتی مانند پژوهش‌های هیلی (۲۰۰۷) و پری (۲۰۲۱) نیز به نبود سیاست‌گذاری منسجم در نظام آموزش شهرسازی اشاره کرده‌اند. این مسئله در کشورهای درحال توسعه مانند هند و برزیل نیز مشاهده شده است (ماهادویا و باتیا، ۲۰۲۱).
ضعف زیرساخت‌های آموزشی: پژوهش‌های انجام‌شده در ایران (بحرینی و دهقان منشادی، ۲۰۱۹) و هند (ماهادویا و باتیا، ۲۰۲۱) نشان می‌دهد که کمبود امکانات آموزشی و پژوهشی از جمله آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های مجهز، یکی از چالش‌های مشترک در نظام آموزش شهرسازی است.

۲. چالش‌های محتوایی:

عدم به‌روزرسانی محتوای درسی: مطالعاتی مانند پژوهش‌های گاندر و هیلیر (۲۰۰۹) و پری (۲۰۲۱) نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند که محتوای آموزشی شهرسازی اغلب قدیمی و غیر مرتبط با مسائل روز شهری است. این مسئله در کشورهای درحال توسعه مانند ایران و هند به‌ویژه مشهود است.

تأکید بیش‌ازحد بر مفاهیم نظری: پژوهش‌های انجام‌شده در ایالات متحده (نات و همکاران، ۱۹۷۰) و اروپا (هیلی، ۲۰۰۷) نیز نشان می‌دهد که نظام آموزشی شهرسازی بیش‌ازحد بر مفاهیم نظری متمرکز است و به مهارت‌های عملی و حل مسائل واقعی کمتر توجه می‌کند.

۳. چالش‌های نیروی انسانی:

کمبود اساتید با تجربه عملی: مطالعاتی مانند پژوهش‌های هیلی (۲۰۰۷) و پری (۲۰۲۱) نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند که کمبود اساتید با تجربه عملی در نظام آموزش شهرسازی، منجر به ضعف در ارتباط بین آموزش آکادمیک و واقعیت‌های عملی می‌شود.

انگیزه پایین دانشجویان: پژوهش‌های انجام‌شده در ایران (رسولی منش و همکاران، ۲۰۱۳) و هند (ماهادویا و باتیا، ۲۰۲۱) نیز نشان می‌دهد که دانشجویان شهرسازی به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی و عدم ارتباط محتوای درسی با نیازهای بازار کار، انگیزه کمی برای ادامه تحصیل دارند.

تفاوت‌ها با مطالعات مشابه

۱. شرایط بومی و فرهنگی:

تفاوت در مسائل بومی: درحالی‌که مطالعات انجام‌شده در کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات‌متحده و اروپا بیشتر بر مسائلی مانند تغییرات اقلیمی و شهرهای هوشمند متمرکز هستند، در ایران مسائلی مانند نابرابری اجتماعی، مدیریت منابع طبیعی و مشارکت مردمی از اهمیت بیشتری برخوردارند (بحرینی و دهقان منشادی، ۲۰۱۹).

تفاوت در ساختارهای سیاسی و اداری: نظام آموزشی شهرسازی در ایران تحت تأثیر ساختارهای سیاسی و اداری خاصی قرار دارد که ممکن است در کشورهای دیگر وجود نداشته باشد. به‌عنوان مثال، بوروکراسی پیچیده و نبود شفافیت در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، از جمله مسائلی است که در ایران بیشتر مشهود است.

۲. تفاوت در سطح توسعه اقتصادی و فناوری:

کمبود فناوری‌های نوین: درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات‌متحده و اروپا از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و مدل‌سازی پیشرفته در آموزش شهرسازی استفاده می‌کنند، در ایران کمبود این فناوری‌ها و زیرساخت‌های لازم یکی از چالش‌های اصلی است (رسولی منش و همکاران، ۲۰۱۳).

تفاوت در سطح منابع مالی: کشورهای درحال توسعه مانند ایران و هند با کمبود منابع مالی برای بهبود زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی مواجه هستند، درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته معمولاً از منابع مالی بیشتری برخوردارند.

۳. تفاوت در رویکردهای آموزشی:

تمرکز بر کمیت به جای کیفیت: در ایران، افزایش تعداد دانشجویان بدون توجه به کیفیت آموزش یکی از چالش‌های اصلی است (رسولی منش و همکاران، ۲۰۱۳). این مسئله در کشورهای توسعه‌یافته کمتر مشاهده می‌شود، جایی که تمرکز بیشتر بر کیفیت آموزش و پژوهش است.

در اینجا بخش یافته‌های پژوهش به صورت یک جدول با ساختار موردنظر شما ارائه شده است:

جدول ۱: دسته‌بندی یافته‌های پژوهش

| مقوله محوری | شرایط محوری | شرایط زمینه‌ای | مقوله اصلی | زیر مقوله | تم |
|---|---------------------------------------|---|--|---|---|
| شکاف میان آموزش و نیازهای حرفه‌ای و اجتماعی در حوزه شهرسازی | ضعف در سیاست‌گذاری آموزشی | نبود هماهنگی بین نهادهای آموزشی و اجرایی | چالش‌های ساختاری | - نبود سیاست‌گذاری منسجم - کمبود زیرساخت‌های آموزشی | عدم انسجام در نظام آموزشی |
| | عدم به‌روزرسانی محتوای درسی | وابستگی به الگوهای وارداتی و عدم توجه به مسائل بومی | چالش‌های محتوایی | - محتوای آموزشی غیر مرتبط با نیازهای جامعه - تأکید بیش‌ازحد بر مفاهیم نظری | عدم تطابق محتوا با نیازهای واقعی |
| | کمبود اساتید با تجربه عملی | ضعف در ارتباط بین دانشگاه و صنعت | چالش‌های نیروی انسانی | - کمبود اساتید با تجربه عملی - انگیزه پایین دانشجویان | ضعف در تربیت نیروی انسانی کارآمد |
| | نبود دوره‌های کارآموزی مؤثر | عدم تعامل با سازمان‌های شهری و مهندسی | ضعف در پیوند آموزش با بازار کار | - نبود دوره‌های کارآموزی مؤثر - فقدان ارتباطات با سازمان‌های شهری | عدم آمادگی دانشجویان برای ورود به بازار کار |
| | بوروکراسی پیچیده و سیاست‌های ناکارآمد | تمرکز بر کمیت به‌جای کیفیت در پذیرش دانشجویان | موانع مدیریتی و سیاست‌گذاری | - بوروکراسی پیچیده - عدم وجود معیارهای استاندارد برای ارزیابی کیفیت آموزش | ضعف در مدیریت و سیاست‌گذاری آموزشی |
| عدم توجه به مهارت‌های | عدم توجه به مهارت‌های ارتباطی و | کمبود مهارت‌های بین‌رشته‌ای | - ضعف در تقویت مهارت‌های ارتباطی - کمبود آموزش در زمینه | عدم توجه به مهارت‌های ضروری | |

| برای شهرسازی مدرن | فناوری‌های نوین | | کارآفرینی | بین‌رشته‌ای و نرم |
|---|--|--------------------------------|---|---|
| عدم توجه به اصول پایداری در آموزش شهرسازی | -غفلت از برنامه‌ریزی پایدار -ضعف در تدریس اصول معماری زیست‌محیطی | ضعف در آموزش پایداری | عدم ادغام اصول پایداری در برنامه‌های درسی | بی‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی و پایداری |
| عدم پاسخگویی به نیازهای شهری معاصر | -عدم توجه به شهرهای هوشمند -غفلت از عدالت فضایی | عدم تطابق با نیازهای روز | رشد سریع شهرنشینی و تغییرات اقلیمی | عدم تطابق برنامه‌های درسی با نیازهای روز شهری |
| عدم ارتباط پژوهش‌های دانشگاهی با نیازهای واقعی شهری | -عدم تأکید بر پژوهش‌های بین‌رشته‌ای -کمبود پروژه‌های تحقیقاتی کاربردی | ضعف در پژوهش‌های کاربردی | کمبود حمایت مالی و اجرائی از پروژه‌های تحقیقاتی | ضعف در پژوهش‌های کاربردی و بین‌رشته‌ای |

- مقوله محوری: مفهوم اصلی که همه مقوله‌های دیگر را به هم پیوند می‌دهد.
- شرایط محوری: عواملی که به‌طور مستقیم بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.
- شرایط زمینه‌ای: بسترها و عوامل محیطی که شرایط محوری را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
- مقوله اصلی: دسته‌بندی‌های کلی که از تحلیل داده‌ها استخراج شده‌اند.
- زیر مقوله: مفاهیم جزئی‌تر که زیرمجموعه مقوله اصلی هستند.
- تم: موضوعات کلی که از تحلیل زیر مقوله‌ها استخراج شده‌اند.

نتیجه‌گیری

شهرسازی به‌عنوان یک رشته میان‌رشته‌ای که به مدیریت فضاهای شهری و برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار می‌پردازد، نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت زندگی و تحقق اهداف توسعه پایدار دارد. با این حال، آموزش در این حوزه باید بتواند با چالش‌های پیچیده و چندوجهی معاصر همچون رشد سریع شهرنشینی، تغییرات اقلیمی و نیازهای اجتماعی-اقتصادی هماهنگ شود. تحلیل چالش‌ها و آسیب‌های نظام آموزش شهرسازی با روش گراند تئوری، تصویری جامع از وضعیت کنونی این حوزه ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که نظام آموزشی موجود در این رشته با مشکلات ساختاری، محتوایی و عملیاتی متعددی روبه‌رو است که بر کیفیت خروجی‌های آن تأثیر منفی گذاشته است. پرسش از رابطه حرفه و دانشگاه در هر یک از مطالعات انجام‌شده و همچنین بررسی رابطه ذاتی دانشگاه و صنعت در هر رشته نشان می‌دهد که فاصله چشمگیری بین این دو حوزه وجود دارد. با در نظر گرفتن اینکه اهداف برنامه‌های آموزشی مصوب، به‌ویژه در این رشته، مبتنی بر برخی دلایل است، مشخص می‌گردد که تأثیرگذاری‌های آموزشی بر فضای حرفه‌ای اثرگذار بوده و این شکاف را ایجاد کرده است. توجه به این فاصله و تلاش برای کاهش آن برای سلامت هر دو حوزه الزامی است. درحالی‌که رویکردهای بسیط و کارآمدی نیز در حرفه و هم دانشگاه به این موضوع وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که چالش‌های اصلی نظام آموزش شهرسازی در سه بعد ساختاری، محتوایی و نیروی انسانی دسته‌بندی می‌شوند. در بعد ساختاری، نبود سیاست‌گذاری منسجم و کمبود زیرساخت‌های آموزشی از مهم‌ترین آسیب‌ها شناسایی شدند. در بعد محتوایی، برنامه‌های درسی عمدتاً بر مفاهیم نظری متمرکز بوده و با نیازهای عملی و موضوعات نوظهور همخوانی ندارند. در بعد نیروی انسانی نیز کمبود اساتید با تجربه عملی و نبود مشوق‌های کافی برای دانشجویان مستعد از جمله مسائل کلیدی هستند.

برای بهبود نظام آموزش شهرسازی، پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

۱. اصلاح ساختار نظام آموزشی:

- تدوین سیاست‌های ملی هماهنگ برای آموزش شهرسازی با مشارکت دانشگاه‌ها، نهادهای اجرایی و جوامع محلی.
- توسعه زیرساخت‌های آموزشی مانند شبیه‌سازهای شهری، آزمایشگاه‌های فناوری نوین و فضاهای طراحی مشترک.

۲. بهبود محتوای آموزشی:

- بازنگری در برنامه‌های درسی با تأکید بر آموزش مهارت‌های عملی مانند طراحی شهری پایدار، برنامه‌ریزی هوشمند و مدیریت مشارکتی.

- ادغام موضوعات نوظهور نظیر شهرهای هوشمند، تغییرات اقلیمی و عدالت فضایی در برنامه‌های آموزشی.
 - ۳. ارتباط مؤثر با نهادهای اجرایی:
 - ایجاد برنامه‌های مشارکتی بین دانشگاه‌ها و نهادهای اجرایی شهری برای انجام پروژه‌های واقعی توسط دانشجویان.
 - تأمین فرصت‌های کارآموزی در سازمان‌های دولتی و خصوصی مرتبط با شهرسازی. - ۴. تقویت نیروی انسانی:
 - برگزاری دوره‌های تخصصی برای اساتید به منظور به‌روزرسانی دانش و مهارت‌های آنان.
 - ایجاد انگیزه برای جذب دانشجویان مستعد از طریق بورسیه‌ها، مشوق‌های مالی و ایجاد امکانات آموزشی بهتر. - ۵. توجه به ابعاد بومی و اجتماعی:
 - تطبیق برنامه‌های آموزشی با نیازهای خاص شهری در ایران با توجه به ویژگی‌های بومی.
 - تقویت آموزش مهارت‌های اجتماعی و تعامل با جوامع محلی برای حل مسائل شهری. - ۶. گسترش پژوهش‌های کاربردی:
 - تأکید بر پژوهش‌های بین‌رشته‌ای برای حل مسائل پیچیده شهرسازی.
 - حمایت مالی و اجرایی از پروژه‌های تحقیقاتی که نتایج ملموس و قابل اجرا داشته باشند.
- این پیشنهادها می‌توانند به ایجاد نظام آموزشی اثربخش و متناسب با نیازهای شهری و جامعه ایرانی منجر شوند و از این طریق، به بهبود کیفیت شهرسازی و مدیریت شهری کمک کنند.

تشکر و قدردانی

از استاد محترم و همکار عزیزم که در امر تدوین مقاله این‌جانب را یاری نموده کمال تشکر دار.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

| | | |
|--------------------------------------|---|---|
| Mohammadreza Noghsanmohammadi |  | https://orcid.org/0000-0002-7692-1741 |
| Mohammad Ali Khani Zadeh |  | https://orcid.org/0009-0004-5128-5373 |
| Hossein Amirazadi |  | https://orcid.org/0000-0001-8788-7764 |

Resources

- Anacker, K. B. (2023). The Evolution of the Four Eras of Urban Planning Education in the United States. *Journal of Planning Education and Research*.
- Bahreini, Hossein and Fallah Manshadi, Elham (2019). Analysis of urban planning education in Iran and its relationship with the role of urban planning specialist. *Hewitt Shahr Journal*, Volume 13, Issue 4, pp. 16-5. [In Persian]
- Barthel, S., Parker, J., & Ernstson, H. (2015). Food and Green Space in Cities: A Resilience Lens on Gardens and Urban Environmental Movements. *Urban Studies*, 52(7), 1321-1338.
- Charmaz, K. (2014). *Constructing Grounded Theory*. Sage Publications.
- Fainstein, S., & Campbell, S. (2016). *Readings in Urban Theory*. John Wiley & Sons.
- Florida, R. (2020). *The Rise of the Creative Class-Revisited: Revised and Expanded*. Basic Books. https://www.researchgate.net/publication/273059401_The_Rise_of_the_Creative_Class--Revisited_Revised_and_Expanded.
- Folke, C., et al. (2016). *Resilience Thinking: Integrating Resilience, Adaptability and Transformability*. Cambridge University Press.
- Gehl, J. (2010). *Cities for People*. Island Press.
- Glaeser, E. (2011). *Triumph of the City: How Our Greatest Invention Makes Us Richer, Smarter, Greener, Healthier, and Happier*. Penguin Books.
- Gunder, M., & Hillier, J. (2009). *Planning in Ten Words or Less: A Lacanian Entanglement with Spatial Planning*. Routledge.
- Hall, P. (2002). *Cities of Tomorrow: An Intellectual History of Urban Planning and Design in the Twentieth Century*. Blackwell Publishing.
- Hawken, P. (2007). *The Ecology of Commerce: A Declaration of Sustainability*. Harper Business.
- Healey, P. (2007). *Urban Complexity and Spatial Strategies: Towards a Relational Planning for Our Times*. Routledge.
- Healey, P. (2021). *Collaborative Planning: Shaping Places in Fragmented Societies*. Policy Press.
- Kostof, S. (1995). *A History of Architecture: Settings and Rituals*. Oxford University Press.
- Mahadevia, D., & Bhatia, N. (2021). *Towards New Urban Agenda: A Radical Reorientation of Urban Planning Education in India*. *Environment and Urbanization Asia*.
- Narvaez, L. (2012). *City Rules: How Regulations Affect Urban Form*. Island Press.
- Newman, P., & Jennings, I. (2008). *Cities as Sustainable Ecosystems: Principles and Practices*. Island Press.
- Nutt, T. E., Susskind, L., & Retsinas, N. P. (1970). *Prospects For Urban Planning Education*.
- Parker, R. (2022). "Urban Planning Education and the Role of Sustainability." *Journal of Urban Studies*, 34(2), 45-60.
- Perry, D. (2021). *Urban Education: Challenges and Innovations in Urban Planning Pedagogy*. Springer.
- Rasoolimanesh, M., Jaafar, M., & Badarulzaman, N. (2013). *Urban Planning and Management System in Iran: A Review and Assessment*. *Middle East Journal of Scientific Research*, DOI:10.5829/idosi.mejsr.2013.18.2.12435.
- Rydin, Y. (2013). *The Purpose of Planning: Creating Sustainable Urban Areas*. Routledge. doi.org/10.2307/j.ctt1t89bnc.
- Saber Manesh, A., Ahmadi, H., & Barati, N. (2021). Explanation of the principles of urban planning education with an emphasis on the connection to professional learning communities. *Urban and Regional Development Planning*, 6(17), 147-178. [In Persian]

- Simoni, P., & Abasi, M. (2020). Evaluation of the relationship between academic education and professional activity in architecture and urban planning; a detailed sample: Faculty of Architecture and Urban Planning, *University of Arts. Fine Arts*, 35(1), 43-54. [In Persian]
- Simoni, Pionik and Abbasi Maryam (2020). Evaluation of the relationship between university education and professional activity in the fields of architecture and urban planning. Detailed example: Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Arts, *Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, Volume 25, Issue 1, pp. 43-54. [In Persian]
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. *Sage Publications*.
- Swyngedouw, E. (2009). The Antinomies of the Postpolitical City: In Search of a Democratic Politics of Environmental Production. *International Journal of Urban and Regional Research*, 33(3), 601-620.
- UN-Habitat. (2015). Urbanization and Development: Emerging Futures. *Routledge*.
- UN-Habitat. (2020). The State of the World's Cities 2020: Bridging the Urban Divide. *Nairobi: UN-Habitat*.
- UN-Habitat. (2021). Principles of Urban Planning: Sustainable Development Goals. *UN Publications*.